

بررسی تاثیر باز بودن تجارت بر فقر در ایران با رویکرد سیستم معادلات همزمان

صدیقه عطرکار روشن

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه الزهرا (س)، s.a.roshan@alzahra.ac.ir

زهرا هاشمی*

کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه الزهرا (س)، hashemizahra78@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۹

چکیده

در ادبیات اقتصادی چنین بحث می‌شود که اقتصادهای باز در مقایسه با اقتصادهای بسته سریع‌تر رشد می‌کنند. با توجه به نقش بالقوه و با اهمیت تجارت در رشد اقتصادی، هدف از این مطالعه بررسی تاثیر باز بودن تجارت بر فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۵۲ است. بر اساس مبانی نظری باز بودن تجارت از طریق کانال‌های چندوجهی فقر را تحت تاثیر قرار می‌دهد، و این کانال‌ها می‌توانند در طول زمان و مکان اثرات متقابل بر روی هم داشته باشند. به دلیل پیچیدگی این رابطه و این که رویکرد تک معادله‌ای معمول، می‌تواند بسیاری از تعیین‌کننده‌ها و عوامل موثر بر فقر که توسط روندهای اقتصادی یکسان تولید می‌شوند را نادیده گرفته و منجر به دستیابی به نتایجی گمراه‌کننده شوند، لذا به منظور در نظر گرفتن فرآیندهای تعاملی پویا بین عوامل مختلف موثر بر فقر، و پر کردن خلأ موجود در مطالعات داخلی، در این مطالعه از یک مدل مبتنی بر رویکرد سیستم معادلات همزمان و روش برآوردگر حداقل مربعات سه‌مرحله‌ای استفاده شده است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که باز بودن تجارت موجب افزایش رشد اقتصادی شده و به صورت غیرمستقیم از طریق رشد اقتصادی بر فقر تاثیر گذاشته است. همچنین نتایج نشان دهنده رابطه مستقیم تولید حقیقی با شاخص نابرابری است، به طوری که نابرابری با رشد اقتصادی در دوره مورد مطالعه افزایش یافته است. براساس نتایج تحقیق، باز بودن تجارت به صورت مستقیم (بدون لحاظ اثرات آن بر رشد و توزیع درآمد) نیز موجب افزایش فقر در طول دوره مورد مطالعه شده است.

واژه‌های کلیدی: باز بودن تجارت، فقر، نابرابری، رشد اقتصادی، معادلات همزمان، برآوردگر حداقل مربعات سه مرحله‌ای (3Sls).

طبقه‌بندی JEL: D63، F13، J32، O47.

۱- مقدمه

پراکندگی منابع طبیعی و تفاوت‌های موجود در کم و کیف عوامل تولید در کشورهای مختلف و الزام پاسخگویی به نیازهای حیاتی و ضروری مردم کشورها از یک سو و نیازهای صنایع و تولیدات کشورها به گسترش هر چه بیشتر از سوی دیگر، تقسیم کار بین‌المللی و آزادی تجاری را به یک ضرورت تبدیل کرده است. براساس نظریه‌های اقتصادی باز بودن تجارت منجر به شکل‌گیری نظام تولید کشورها بر پایه مزیت نسبی شده و به تبع آن از منابع موجود در کشور به نحو کارآتری استفاده خواهد شد. به عبارت دیگر باز بودن تجارت به عنوان نیروی محرکه رشد اقتصادی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه شناخته می‌شود و نظریات متعددی بر نقش روزافزون تجارت بر رشد و توسعه کشورها تاکید دارند. باور گسترده‌ای وجود دارد که باز بودن تجارت در بلندمدت موجب رشد و توسعه اقتصادی می‌شود و دستیابی به رشد اقتصادی و توسعه پایدار یکی از اساسی‌ترین اهداف هر کشوری محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، فقر یکی از مباحث مهم در ادبیات توسعه بوده و زدودن آن از جامعه از اهداف اصلی توسعه اقتصادی است (میرزاخانی، ۱۳۷۴). فقرزدایی یکی پدیده چندبعدی و پیچیده است، که یکی از چالش‌های عمده سیاست‌گذاران در کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود. کاهش فقر، هدف اصلی سیاست‌های توسعه اقتصادی است و در اهداف هزاره به عنوان یک هدف سیاستی مهم شناخته شده است.

گسترش فعالیت‌های بازار آزاد بین کشورها و ایجاد فضای باز اقتصادی مستلزم آگاهی از پیامدها و عواقب آن بر همه ابعاد اقتصادی از جمله سطح زندگی افراد جامعه است. تاثیرات باز بودن تجارت بر رفاه خانوارها و فقر، در کنار سایر عوامل تاثیرگذار، به یکی از دغدغه‌های مهم اقتصاددانان توسعه تبدیل شده است. مطالعات متعدد بر این امر اتفاق نظر دارند که خانوارها در اقتصادهای باز بیشتر از اقتصادهای بسته، حداقل از لحاظ استاندارد زندگی منتفع و بهره‌مند می‌شوند (بانک جهانی^۱، ۲۰۰۱). علی‌رغم حرکت عمومی کشورهای جهان به سمت این فرایند، برخی از آثار باز بودن تجاری، از جمله اثرات آن بر فقر و همچنین نابرابری همچنان جزء مباحث محافل علمی است. اتخاذ آگاهانه سیاست‌های اقتصادی به منظور رسیدن به اقتصادی بازتر و همچنین بهره‌مند شدن همه‌جانبه اقتصاد و افراد و خانوارها اعم از فقرا از فرصت‌ها و منافع آن نیازمند آگاهی، بررسی و ارزیابی

^۱ World Bank

عملکرد گذشته جریان باز بودن بر رفاه فقرا است. نظر به اهمیت باز بودن تجارت برای کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، و با در نظر گرفتن اینکه، عوامل متعددی بر فقر اثرگذارند، در این مقاله بر تاثیرات باز بودن تجارت بر فقر و رفاه خانوارها تمرکز شده است. از این رو، هدف از این مقاله، بررسی تاثیراتی است که باز بودن تجارت بر فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۵۲ داشته است.

به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر، در بخش دوم و سوم به مروری اجمالی بر ادبیات نظری تحقیق و تجربی تحقیق پرداخته می‌شود. بخش چهارم به تصریح الگوی تاثیر باز بودن تجارت بر فقر و معرفی متغیرها اختصاص دارد، در بخش پنجم به بررسی نتایج حاصل از برآورد الگو خواهیم پرداخت. در بخش انتهایی مقاله نتیجه‌گیری تحقیق ارائه می‌شود.

۲- مبانی نظری تحقیق

نظریه‌های آدام اسمیت و پس از آن ریکاردو، از مهمترین الگوهای علم اقتصاد است که آزادسازی تجارت خارجی را توصیه می‌کند. براساس تئوری هکشر- اوهلین، یک کشور مزیت نسبی در تولید کالایی دارد که عوامل تولید آن کالا به طور نسبی در کشور به وفور یافت گردند. بنابراین هر کشور به صادرات کالایی می‌پردازد که عوامل تولید آن کالا در آن کشور فراوان است. در نتیجه کشورهای توسعه یافته به دلیل وفور نیروی کار ماهر، به صادرات کالاها و خدمات متکی بر نیروی کار ماهر پرداخته و کشورهای در حال توسعه به دلیل وفور نیروی کار کم‌مهارت، به صادرات کالاها و خدمات متکی بر نیروی کار کم‌مهارت می‌پردازند. در پی باز شدن اقتصاد و تشدید تجارت بین این دو گروه از کشورها، تقاضا و دستمزدهای نسبی کارگران غیرماهر در کشورهای توسعه یافته کاهش خواهد یافت و در کشورهای در حال توسعه منجر به افزایش تقاضا و افزایش دستمزد کارگران کم‌مهارت می‌شود. بنابراین باز شدن تجارت در کشورهای در حال توسعه موجب کاهش فقر و نابرابری خواهد شد.

از سوی دیگر طبق نظریه برابری قیمت عوامل تولید، تجارت آزاد موجب یکسان شدن قیمت عوامل در کشورها می‌گردد. اگر کشورها تحت شرایط تجارت آزاد به تولید هر دو کالا مشغول گردند، قیمت عوامل در دو کشور یکسان خواهند شد. براساس این نظریه می‌توان انتظار داشت که تجارت آزاد با تغییر قیمت عوامل تولید در جهت برابری، موجب تغییر در نابرابری و فقر خواهد شد.

طبق تئوری استالپر- ساموئلسون که قیمت کالاها و خدمات را به قیمت عوامل تولید در مدل هکشر- اوهلین مرتبط می‌سازد، تجارت آزاد منجر به افزایش قیمت نسبی کالا و در نتیجه افزایش قیمت نهاده مورد استفاده در کالایی می‌شود که کشور در آن مزیت نسبی داشته و آن را با عوامل تولید فراوان تولید می‌کند (رحیمی بروجردی، ۱۳۸۳). کشورهای توسعه یافته در تجارت خود با کشورهای در حال توسعه، کالاها و خدمات متکی بر سرمایه و نیروی کار ماهر را صادر و در مقابل کالاها و خدمات متکی بر نیروی کار کم‌مهارت را وارد می‌نمایند. باز شدن اقتصاد و تشدید تجارت موجب افزایش قیمت کالاهای صادراتی و دستمزد نیروی کار کم‌مهارت در کشورهای در حال توسعه و کاهش قیمت نسبی کالاهای وارداتی متکی بر نیروی کار ماهر مورد استفاده در بخش وارداتی رقابتی و دستمزد کارگران ماهر در این کشورها می‌شود. در نتیجه تجارت آزاد در کشورهای در حال توسعه موجب کاهش نابرابری و فقر می‌شود (بانیستر و توگه^۱، ۲۰۰۱).

نظریه دیگری که مرتبط با تاثیر باز بودن تجارت بر فقر و نابرابری است نظریه تغییرات تکنولوژی مهارت‌گرا است. طبق این تئوری اتخاذ یک فناوری جدید برون‌زا در پی باز شدن تجارت منجر به انتقال اشتغال از نیروی کار غیرماهر به نیروی کار ماهر و در نتیجه افزایش دستمزدها و سطوح اشتغال آنها می‌شود. تجارت کشورهای در حال توسعه که با وفور نیروی کار کم‌مهارت مواجه هستند با کشورهای توسعه‌یافته، مبتنی بر افزایش واردات از کشورهای توسعه‌یافته مخصوصاً در قالب ماشین‌آلات و تجهیزات بوده و باعث افزایش تقاضا و دستمزدهای نسبی نیروی کار ماهر (که درجه بالای مکملیت بین نیروی کار ماهر و سرمایه وجود دارد) می‌شود. در نتیجه منجر به بروز تفاوت‌های دستمزد بین نیروی کار ماهر و کم‌مهارت و افزایش نابرابری و فقر در کشورهای در حال توسعه می‌شود. برخی استدلال می‌کنند که افزایش دستمزدهای نیروی کار ماهر همواره موجب آسیب رساندن به نیروی کار غیرماهر نمی‌شود (وود^۲، ۲۰۰۲).

انتظار می‌رود تجارت به صورت مستقیم از طریق کانال‌های مهمی از جمله تغییر قیمت‌های نسبی مواجه با خانوارها و مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، بازار کار (به عبارت دیگر اشتغال و تعدیل دستمزدها) و نقش مالیات‌بندی و درآمد دولت بر فقر تاثیر بگذارد. در

¹ Bannister and Thugge

² Wood

ضمن وینترز^۱ و همکاران (۲۰۰۰ و ۲۰۰۴) و نیسانک و توربک^۲ (۲۰۰۵) استدلال می‌کنند که تجارت به صورت غیرمستقیم از طریق دو کانال مهم از قبیل رشد اقتصادی، نابرابری توزیع درآمد و از طریق عوامل دیگری از قبیل سطوح اولیه توسعه، تحرکات بین‌المللی سرمایه، مهاجرت نیروی کار، پیشرفت‌های تکنولوژیکی، اطلاعات بر فقر تاثیر بگذارد. از بین این عوامل رابطه رشد- نابرابری- فقر مهمترین کانال است. با افزایش رشد اقتصادی و موثر بر توزیع درآمد (نابرابری کمتر در توزیع درآمد)، تجارت به عنوان ابزاری قوی برای کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته می‌شود. تجارت بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد به صورت مستقل تاثیر می‌گذارد و تجارت و رشد اقتصادی با هم و یا تک‌تک بر توزیع درآمد تاثیر می‌گذارند و بنابراین هر یک بر فقر تاثیر می‌گذارند (لیارو^۳، ۲۰۰۹). رشد برای فقرا خوب است در حالی که نابرابری عکس آن عمل می‌کند (مامون^۴، ۲۰۰۷).

۲-۱- رابطه بین باز بودن تجارت، رشد اقتصادی و فقر

بالدوین^۵ (۲۰۰۳) نشان داد که کشورهای با محدودیت تجاری کمتر نسبت به کشورهای با سیاست‌های محدودکننده به رشد اقتصادی سریع‌تر دست می‌یابند. از آنجا که فقر از طریق رشد سریع‌تر، با سرعت بیشتری کاهش خواهد یافت، کشورهای فقیر می‌توانند از آزادسازی تجارت به عنوان یک ابزار سیاستی استفاده کنند. آزادسازی تجارت انحرافات قیمت نسبی را کاهش می‌دهد و اجازه گسترش فعالیت‌ها را با کسب مزیت نسبی داده و منجر به رشد اقتصادی سریع‌تر می‌شود. کشورهای فقیر به علت فراوانی بیش از حد نیروی کار در دسترس، تمایل به شرکت در فعالیت‌های کاربر را دارند، بنابراین حذف موانع تجاری در این کشورها منجر به ترویج فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد اشتغال و درآمد برای بسیاری از مردم فقیر می‌شود. از طرف دیگر پیگیری سیاست‌های محدودکننده تجارت توسط کشورهایی با وفور نیروی کار، قیمت‌های نسبی را به نفع فعالیت‌های سرمایه‌بر تغییر می‌دهد. بنابراین حذف موانع تجاری می‌تواند منجر به کاهش ارزش دارایی‌های صنایع حمایت شده شود و بدین ترتیب منجر به از دست دادن شغل در آن صنایع شود. بدین

¹ Winters

² Nissanke and Thorbecke

³ Leyaro

⁴ Mamoon

⁵ Baldwin

معنی که آزادسازی تجارت اثرات توزیعی برای تعدیل صنایع با سیاست‌های تجارت آزاد شده دارد (کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد، ۲۰۱۰).

۲-۲- تاثیر باز بودن تجارت بر فقر با در نظر گرفتن نحوه توزیع درآمد

به عقیده پائولینو^۱ (۲۰۱۲) باز بودن بیشتر در برابر بازارهای جهانی می‌تواند بر توزیع درآمد بین و درون کشورها تاثیر بگذارد. به طور کلی تغییرات در فقر عمدتاً با تغییرات در درآمد متوسط همراه هستند و بنابراین لازم است که هر دو مسئله در یک چارچوب جامع بررسی شود. با این حال، اگر آزادسازی تجاری توزیع درآمد را بدتر کند، با وجود اثرات مثبت بر رشد به کاهش فقر کمک نخواهد کرد.

میزان کاهش فقر برای یک نرخ رشد معین به چگونگی تغییرات توزیع درآمد، نابرابری‌های درآمدی اولیه، دارایی‌ها و دسترسی به فرصت‌هایی که به فقرا اجازه مشارکت در رشد را می‌دهد، بستگی دارد. چگونگی تاثیرپذیری فقر از رشد به نحوه توزیع درآمد مازاد حاصل از رشد در یک کشور بستگی دارد (بانک جهانی^۲، ۲۰۰۱). بنابراین همان‌گونه که مامون (۲۰۰۷)، بیان می‌کند همه اثرات توزیعی منفی ناشی از باز بودن به دلیل اینکه ممکن است مانع رشد بالقوه اقتصاد شوند، مهم می‌شوند.

از نظر دانتون^۳ (۲۰۰۵) یک سوال کلیدی در بحث درباره جهانی شدن این است که رشد اقتصادی تا چه حد و به چه میزان فقر را کاهش می‌دهد. اگر رشد اقتصادی درآمد فقرا را با همان نرخ یکسان درآمد متوسط رشد دهد در نتیجه به همان نسبت به نفع همه است. با این حال، اگر رشد اقتصادی به طور نامساوی توزیع شده باشد، اثرات رشد بر کاهش فقر کمتر (بیشتر) خواهد بود، بسته به اینکه درآمدهای فقرا کمتر (بیشتر) از حد متوسط رشد کنند. به عقیده پائولینو (۲۰۱۲) تاثیر رشد بر کاهش فقر به موقعیت خط فقر در توزیع درآمد بستگی دارد.

از نظر لوندبرگ و اسکویر^۴ (۲۰۰۰) حتی زمانی که سیاست‌های باز شدن تجارت منجر به رشد شود، نگرانی که اغلب مطرح است این است که ممکن است باز شدن اقتصاد منجر به الگوی رشدی شود که به صورت نامتناسبی ثروتمندان از آن منتفع شوند، بنابراین

¹ Paulino

² World Bank

³ Deaton

⁴ Lundberg and Squire

توزیع درآمد را بدتر می‌کنند. اما براساس بانیستر و توگه (۲۰۰۱)، شواهد اخیر شک و تردید در این ارزیابی را تقویت می‌کنند.

۲-۳- رابطه بین رشد اقتصادی و نابرابری توزیع درآمد

براساس لیارو (۲۰۰۹) سایمن کوزنتس اولین کسی بود که به تشریح مکانیسم اثر رشد بر نابرابری پرداخت. در سال ۱۹۴۵ کوزنتس برای اولین بار نظریه‌ای ارائه داد که بر طبق آن نابرابری درآمدی طی اولین مراحل رشد اقتصادی رو به افزایش می‌گذارد و سپس هم‌تراز می‌شود و بالاخره طی مراحل بعدی کاهش می‌یابد (اخوی، ۱۳۷۳).

۳- پیشینه تحقیق

در جدیدترین مطالعات، دالر و کرای^۱ (۲۰۰۴) به بررسی اثر تجارت بر رشد و سپس بر فقر، در گروهی از کشورهای در حال توسعه که از سال ۱۹۸۰ کاهش قابل توجهی در تعرفه و افزایش زیادی در حجم تجارت واقعی داشته‌اند، پرداختند. نتایج این بررسی‌ها حاکی از آن است که تغییرات حجم تجارت رابطه مثبتی با نرخ رشد داشته و هیچ رابطه‌ای بین تغییرات حجم تجارت و تغییرات نابرابری درآمد خانوارها وجود ندارد. افزایش نرخ رشد که با تجارت گسترده همراه باشد به طور متوسط منجر به افزایش متناسب در درآمد فقرا می‌شود. لیانگ^۲ (۲۰۰۵) با استفاده از رویکرد سیستم معادلات همزمان طی دوره زمانی ۲۰۰۲-۱۹۹۷ به بررسی رابطه بین تجارت کشاورزی و فقر روستایی در استان‌های چین می‌پردازد. نتایج این مطالعه از نظریه سنتی که تجارت موتور رشد اقتصادی است، حمایت می‌کند. همچنین رشد اقتصادی موثر و توسعه تجارت منجر به کاهش قابل توجه فقر روستایی طی دو دهه گذشته شده است. اما این فرآیند از طریق بدتر شدن توزیع درآمد به صورت معکوس تحت تاثیر قرار گرفته و به شدت کاهش یافته است. منندز و همکاران^۳ (۲۰۰۹) در مطالعه خود با استفاده از داده‌های تابلویی طی دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۹۸۷ به بررسی تاثیر آزادسازی تجارت بر نابرابری درآمد خانوارها و فقر در ایالت‌های برزیل می‌پردازد. یافته‌های این مطالعه بیانگر این است که ایالت‌های برزیل که بیشتر در معرض کاهش تعرفه بودند کاهش‌های کمتری در فقر و نابرابری خانوارها را تجربه کرده‌اند و آزادسازی تجاری منجر به افزایش فقر و نابرابری در مناطق شهری شده و اثر معنی‌داری بر فقر روستایی در مطالعه مشاهده نشده است.

¹ Dollar and Kraay

² Liang

³ Menendez & et al

ترابلسی و لیوان^۱ (۲۰۱۳) با این عقیده که مبارزه با فقر و نابرابری‌های اجتماعی یکی از بزرگترین چالش‌های کشورهای در حال توسعه است، و این کشورها باید خودشان را به وسیله آزادسازی تجاری با نظم نوین اقتصادی جهانی وفق دهند، در مطالعه‌ای به بررسی تاثیر آزادسازی تجارت بر فقر پرداختند. آن‌ها با استفاده از داده‌های تابلویی در نمونه‌ای از ۱۰۶ کشور در حال توسعه طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۸۰ پرداختند. نتایج آن‌ها بیانگر این است که تجارت عامل اصلی تاثیرگذار بر نابرابری و تداوم فقر نیست.

لیم و ام. سی. نلیس^۲ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین باز بودن تجارت و ضریب جینی با استفاده از داده‌های تابلویی برای مجموعه داده‌های ۴۲ کشور با درآمد کم تا متوسط طی دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۲ پرداختند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که رشد اقتصادی منجر به کاهش نابرابری می‌شود و باز بودن تجارت ممکن است ضریب جینی را افزایش یا کاهش دهد.

از میان مطالعات داخلی فوز مسلمیان (۱۳۸۴) در مطالعه‌ای به بررسی آثار جهانی شدن بر حجم و میزان فقر فقر با استفاده از روش داده‌های تابلویی برای پانزده کشور در حال توسعه از جمله ایران طی سال‌های ۲۰۰۴-۱۹۹۰ می‌پردازد. نتایج حاکی از آن است که در کوتاه‌مدت به دلیل ضرورت انجام اصلاحات و تعدیلات مورد نیاز اقتصاد، بیکاری و فقر افزایش یافته است. گرجی و برهانی‌پور (۱۳۸۶) به بررسی اثر جهانی شدن بر توزیع درآمد در ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۳-۱۳۴۷ با استفاده از روش هم‌جمعی یوهانسون-یوسیلیوس^۳ و شاخص شدت تجاری به عنوان معیاری برای جهانی شدن پرداختند. نتایج بیانگر تایید فرضیه کوزنتس در اقتصاد ایران بوده و اینکه جهانی شدن باعث افزایش نابرابری شده و وضعیت توزیع درآمد را بحرانی‌تر کرده است.

پیرحیاتی و همکاران (۱۳۸۸) به بررسی تجربی اثر گسترش تجارت خارجی بر شاخص‌های فقر در ایران با استفاده از روش هم‌جمعی یوهانسون-یوسیلیوس و آزمون تصحیح خطای برداری طی دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۸۳ پرداختند. الگوی تصحیح خطای برداری^۴ (VECM) نشان می‌دهد که افزایش تجارت باعث افزایش فقر شده است. نظری و فتوره چی (۱۳۸۸) طی دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۴۹ به بررسی رابطه جهانی شدن و توزیع درآمد

¹ Trabelsi & Liouane

² Lim & McNelis

³ Johansen and Juselius cointegration

⁴ Vector Error Correction Model

و آزمون فرضیه کوزنتس و استالپر- ساموئلسون و ماندل با استفاده از روش OLS^۱ در ایران می‌پردازند. تخمین مدل‌ها نشان می‌دهند که با افزایش تولید ناخالص ملی، نابرابری ابتدا افزایش و سپس کاهش می‌یابد و فرضیه کوزنتس تایید می‌شود. از طرف دیگر افزایش باز بودن تجاری به کاهش نابرابری در کل کشور و مناطق شهری منجر می‌شود. اما در مورد مناطق روستایی، باز بودن تجاری تاثیری بر توزیع درآمد ندارد. زارع حقیقی (۱۳۹۰) به بررسی تاثیر باز بودن اقتصاد و رشد اقتصادی بر فقر در ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۵۵ با استفاده از الگوی خودبازگشت با وقفه‌های توزیعی^۲ (ARDL) و الگوی بلندمدت پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت باعث کاهش فقر شده اما بر نابرابری بی‌تاثیر بوده است، در بلندمدت اگرچه رشد اقتصادی فقرزدا بوده است، اما موجب افزایش نابرابری شده است و باز بودن اقتصاد از طریق تاثیر بر توزیع درآمد به طور مستقیم موجب افزایش درآمد متوسط فقرا شده است. صابونچی و رشیدزاده (۱۳۹۳) به بررسی و تحلیل اثر جهانی‌شدن و سرمایه‌گذاری خارجی بر روی توزیع درآمد در ایران با استفاده از روش خودبازگشت با وقفه توزیعی (ARDL) طی دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۵۳ پرداخته‌اند. نتایج بدست آمده حاکی از این است که نظریه کوزنتس در رابطه بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمد صادق است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که با افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و آزادسازی تجاری نابرابری درآمدی کاهش می‌یابد. پیکره وسیع و در حال رشد ادبیات تجربی در مورد تاثیر باز بودن تجارت بر نابرابری و فقر نتایج متفاوتی را بیان می‌کنند (نارانپاناوا^۳ و همکاران، ۲۰۱۱). از این‌رو، با توجه به ادبیات تجربی با صراحت نمی‌توان گفت که اثرات آزادسازی تجاری همواره و در همه موارد حامی فقرا است و یا بالعکس. نتایج مورد به مورد متفاوت و حساس به روش مدل‌سازی، دوره زمانی و کشور مورد مطالعه هستند. به علاوه، در مطالعات داخلی انجام شده در این زمینه نیز از روش‌های تک‌معادله‌ای استفاده شده، در حالی که با توجه به پیچیدگی‌های موضوع و کانال‌های متعدد تاثیرگذاری تجارت بر فقر، حداقل می‌توان به صراحت بیان کرد که روش‌های فوق از جامعیت لازم برخوردار نیستند.

^۱ Ordinary Least Squares

^۲ Auto Regressive Distributed Lag

^۳ Naranpanava et al

۴- مدل تحقیق و روش برآورد

مطالعات نظری نشان می‌دهند که باز بودن تجارت از طریق کانال‌های چندوجهی فقر را تحت تاثیر قرار می‌دهد و این کانال‌ها می‌توانند در طول زمان و مکان اثرات متقابل بر روی هم داشته باشند. بنابراین رابطه بین تجارت و فقر رابطه پیچیده و ناهمگنی است و رویکرد تک‌معادله‌ای معمول ممکن است کاستی‌ها و مشکلاتی در جهت بررسی این اثرات مختلف داشته باشند. علاوه بر این بسیاری از عوامل موثر و تعیین‌کننده فقر، توسط فرآیند اقتصادی یکسانی ایجاد می‌شوند. نادیده گرفتن این موضوع به احتمال زیاد موجب دست یافتن به نتایجی گمراه‌کننده می‌شود. همچنین با توجه به اینکه تاکنون رابطه بین باز بودن تجارت و فقر در ایران فقط به صورت تک‌معادله‌ای برآورد و بررسی شده است. بنابراین به منظور در نظر گرفتن فرآیندهای تعاملی پویا بین عوامل مختلف موثر بر فقر، و به منظور برآورد بهتر اثرات باز بودن تجارت و پر کردن خلاء موجود در مطالعات داخلی، از مدل لیانگ^۱ (۲۰۰۵) و از رویکرد سیستم معادلات همزمان^۲ و روش برآوردگر حداقل مربعات سه-مرحله‌ای^۳ (3SLS) جهت برآورد مدل استفاده شده است. معادلاتی که تخمین زده می‌شود به صورت زیر است:

$$\text{gro} = c(11) + c(12)\text{edu} + c(13)\text{rcap} + c(14)\text{open} + u(1) \quad (1)$$

$$\text{gini} = c(21) + c(22)\text{open} + c(23)\text{gro} + c(24)\text{gro}^2 + c(25)\text{ilite} + u(2) \quad (2)$$

$$\text{pov} = c(31) + c(32)\text{gro} + c(33)\text{gini} + c(34)\text{open} + c(35)\text{edu} + c(36)\text{tved} + u \quad (3)$$

در معادلات فوق، متغیرها به صورت زیر تعریف می‌شوند.

باز بودن تجارت (open): اساسی‌ترین معیار باز بودن، سهم ساده تجارت است که عبارت از جمع صادرات و واردات تقسیم بر تولید ناخالص داخلی است. در نظر گرفتن این شاخص برای درک رابطه بین باز بودن اقتصاد و رشد توسط تئوری‌های جدید رشد و تجارت پیشنهاد شده است. زیرا همان‌طور که ادواردز^۴ (۱۹۹۳) بیان می‌کند ادبیات جدید رشد تاکید زیادی بر روی صادرات دارد. اما با توجه به تئوری مزیت رقابتی، تجارت بین الملل باعث می‌شود استفاده از منابع یک کشور از طریق واردات کالاها و خدماتی که تولید آن‌ها در داخل با هزینه زیادی صورت می‌گیرد، موثرتر و کارآمدتر شود. از این‌رو، واردات به

¹ Liang

² Simultaneous – Equations System

³ Three-stage least squares

⁴ Edwards

اندازه صادرات در عملکرد اقتصاد موثر است و مناسب است معیار فوق تحت عنوان شدت تجارت^۱ (TI) شناخته شده است.

شایان ذکر است که به دلیل وابستگی اقتصاد ایران به صادرات نفتی و برای برآورد صحیح مدل و نتایج دقیق‌تر از صادرات غیرنفتی استفاده می‌شود. لذا درجه باز بودن تجارت (open) به صورت نسبت مجموع صادرات غیرنفتی و واردات به تولید ناخالص داخلی تعریف می‌شود.

فقر (pov): در یک تعریف کلی، فقیر کسی است که قادر به تامین نیازهای اساسی مصرفی اولیه (شامل اقلام خوراکی و غیرخوراکی) نباشد. از این رو خط فقر معمولاً با مشخص کردن یک سبد مصرفی مناسب برای نیازهای اولیه و سپس برآورد هزینه این نیازهای اولیه محاسبه می‌شود. به عبارت دیگر خط فقر می‌تواند به عنوان حداقل هزینه‌های لازم برای تامین نیازهای اولیه خوراکی و غیرخوراکی در نظر گرفته شود. معمولاً خط فقر معیاری (سطحی از مصرف یا درآمد) برای تشخیص افراد فقیر از غیرفقیر می‌باشد. به منظور در نظر گرفتن درصد جمعیت زیر خط فقر از شاخص سرشمار فقر^۲ (pov) استفاده شده است که این شاخص، جمعیتی که به عنوان فقیر شمارش می‌شوند را اندازه می‌گیرد. **ضریب جینی (gini):** از ضریب جینی برای اندازه‌گیری نابرابری توزیع درآمد استفاده شده است و اطلاعات مربوط به آن از داده‌های سری زمانی بانک مرکزی گردآوری شده است.

رشد اقتصادی (gro): به صورت رشد تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ تعریف شده است و به منظور بررسی فرضیه کوزنتس متغیر دیگری به صورت مجذور رشد اقتصادی (gro2) نیز وارد مدل شده است.

بهره‌وری سرمایه (rcap): بهره‌وری را می‌توان به صورت نسبت یک شاخص مقداری از یک ستانده معین به یک شاخص مقداری از یک داده معین تعریف کرد. در محاسبات بهره‌وری می‌توان ارزش افزوده یا تولید ناخالص داخلی را به عنوان شاخص ستانده اقتصاد و موجودی سرمایه را به عنوان شاخص مورد استفاده جهت نهاد سرمایه در نظر گرفت. بنابراین به منظور محاسبه بهره‌وری سرمایه از نسبت تولید ناخالص داخلی به موجودی سرمایه استفاده شده است. هر دو متغیر به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ هستند.

¹ Trade Intensity

² Headcount ratio

متغیر آموزش (edu): از میانگین کلیه سال‌های تحصیل برای جمعیت ۱۵ سال به بالا به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری آموزش استفاده شده است. و برای اندازه‌گیری نابرابری توزیع درآمد از ضریب جینی (gini) استفاده شده است. شاخص توسعه انسانی (tved) و نرخ بی‌سوادی (ilite) متغیرهای دیگر الگو هستند.

۴-۱- داده‌ها و نتایج تجربی

داده‌های آماری متغیرهای مدل از گزارش‌های منتشر شده بانک مرکزی، گزارش‌های توسعه سازمان ملل، سایت بارو و لی^۱ و آمار مربوط به فقر (نرخ فقر) از تحقیقات یزدان‌پناه و راغفر (۱۳۸۷) و راغفر و همکاران (۱۳۹۴) گرفته شده است. کلیه داده‌ها به صورت سالانه برای دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۵۲ گردآوری شده است. قبل از برآورد مدل لازم است تا آزمون‌های اولیه جهت اطمینان از قابل اعتماد بودن نتایج حاصل از تخمین انجام شود.

۴-۲- آزمون‌ها و تحلیل‌های مقدماتی

از آنجا که داده‌های جمع‌آوری شده سری زمانی بوده و مدل معادلات همزمان بکار برده می‌شود، انجام تست‌های اولیه شامل آزمون اریب همزمانی و بررسی مسئله تشخیص قبل از تخمین مدل‌ها ضروری است.

۴-۲-۱- آزمون اریب همزمانی^۲

یکی از فروض قاطع روش OLS، غیراستوکاستیک بودن متغیرهای توضیحی یا حداقل در صورت استوکاستیک (تصادفی) بودن داشتن توزیع مستقل از جزء اخلاص استوکاستیک است. بنابراین چنانچه یکی از شرایط فوق الذکر تامین نشوند، آنگاه تخمین‌زن‌های حداقل مربعات نه تنها تورش‌دار بلکه ناسازگار نیز خواهند بود (گجراتی، ۱۳۸۳). نتایج حاصل از آزمون اریب همزمانی معادلات در جداول ۱، ۲ و ۳ ارائه شده است.

جدول (۱): نتیجه حاصل از آریب همزمانی معادله اول

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	سطح معناداری
جمله پسماند	۱/۰۰۰۰	۲/۳۵ E-۱۳	٪۱

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۲): نتیجه حاصل از آزمون اریب همزمانی معادله دوم

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	سطح معناداری
جمله پسماند	۱/۰۰۰۰	۱/۵۴ E-۱۱	٪۱

منبع: یافته‌های تحقیق

^۱ Barro-Lee

^۲ Simultaneous bias

جدول (۳): نتیجه حاصل از آزمون اریب همزمانی معادله سوم

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	سطح معناداری
جمله پسماند	۱/۰۰۰۰	۸/۴۰ E-۱۴	٪۱

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به اینکه ضریب پسماند در هر سه معادله موجود در سیستم معنی‌دار شده است، هر سه معادله دارای اریب همزمانی هستند. وجود اریب همزمانی فرض کلاسیک را نقض می‌کند. بنابراین این معادلات را نمی‌توان به روش حداقل مربعات معمولی تخمین زد.

۴-۲-۲- مساله تشخیص

جهت انجام آزمون تشخیص باید دو شرط درجه‌ای^۱ (شرط لازم) و شرط رتبه‌ای^۲ (شرط کافی) مورد بررسی قرار گیرند. برای بررسی شرط درجه‌ای یکی از ساده‌ترین روش‌ها محاسبه $m-1$ و k است که در آن‌ها m و k به ترتیب نمایانگر تعداد متغیرهای درون‌زا و تعداد متغیرهای از پیش تعیین شده موجود در معادله تحت بررسی است. به این صورت که اگر $k < m-1$ باشد، معادله کمتر از حد مشخص^۳ است، اما اگر $k = m-1$ باشد، معادله دقیقاً مشخص^۴ و اگر $k > m-1$ باشد، معادله بیش از حد مشخص^۵ است. برقراری شرط رتبه‌ای نیز بر این اساس است که در یک الگوی دارای M معادله و M متغیر درون‌زا اگر و فقط اگر بتوان حداقل یک دترمینان غیرصفر از درجه $(M-1)(M-1)$ مربوط به ضرایب متغیرهای درون‌زا و از پیش تعیین شده خارج از معادله تحت بررسی - اما لحاظ شده در سایر معادلات - را بدست آورد، معادله مورد نظر مشخص خواهد بود (گجراتی، ۱۳۸۳). به طور خلاصه نتایج مربوط به بررسی شرط درجه‌ای برای سه معادله در جدول ۵ ارائه شده است و بنا به نتایج آن هر سه معادله موجود در سیستم، بیش از حد مشخص می‌باشند. براساس دترمینان ضرایب متغیرهای خارج از معادله مورد بررسی، معادلات مورد بررسی بیش از حد مشخص می‌باشند. با توجه به نتایج آزمون‌های تشخیص درجه‌ای و رتبه‌ای معادلات موجود در مدل بیش از حد مشخص هستند و بنابراین می‌بایست از برآوردگر حداقل مربعات سه مرحله‌ای به منظور برآورد مدل بهره گرفت.

¹ The Order condition of Identifiability

² The Rank condition of Identifiability

³ Unidentified or Under Identified

⁴ Exactly Identified

⁵ Over Identified

جدول (۴): بررسی شرط درجه‌ای

قابلیت تشخیص	تعداد متغیرهای درون‌زای معادله منهای یک (m-1)	تعداد متغیرهای از پیش تعیین شده خارج مانده از معادله (K-k)	معادله (بر حسب متغیر وابسته)
بیش از حد مشخص	۰	۲	اول
بیش از حد مشخص	۱	۳	دوم
بیش از حد مشخص	۲	۳	سوم

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۵): ضرایب متغیرهای معادلات مدل

معادله	۱	Gro	Gini	Pov	edu	rcap	Tved	open	ilite	gro2
Gro	$-\beta_{10}$	۱	۰	۰	$-\gamma_{11}$	$-\gamma_{12}$	۰	$-\gamma_{14}$	۰	۰
Gini	$-\beta_{20}$	$-\beta_{21}$	۱	۰	۰	۰	۰	$-\gamma_{24}$	$-\gamma_{25}$	$-\gamma_{26}$
Pov	$-\beta_{30}$	$-\beta_{31}$	$-\beta_{32}$	۱	$-\gamma_{31}$	۰	$-\gamma_{33}$	$-\gamma_{34}$	۰	۰

منبع: یافته‌های تحقیق

۵- تخمین مدل‌های اصلی

۵-۱- آزمون ایستایی متغیرها

پیش از برآورد الگو لازم است جهت پرهیز از برآورد رگرسیون کاذب نسبت به ایستایی متغیرهای سری زمانی اطمینان حاصل نمود. برای آزمون ایستایی متغیرهای مورد نظر در الگو، از آزمون دیکی- فولر تعمیم یافته^۱ (ADF) استفاده شده است. نتایج که در جدول ۱ ارائه شده، بیانگر آن است که تمامی متغیرها در سطح و بدون تفاضل‌گیری مانا هستند. بنابراین احتمال ایجاد رگرسیون کاذب در مدل وجود ندارد.

جدول (۶): نتایج آزمون ایستایی متغیرها (آزمون دیکی فولر تعمیم یافته)

نام متغیر	مقدار آماره آزمون	مقادیر بحرانی	مانا / نامانا
Edu	$-۴/۵۲^{**}$	$-۳/۶۰$	مانا
Rcap	$-۳/۹۸^{**}$	$-۳/۶۱$	مانا
Open	$-۳/۵۷^{**}$	$-۳/۵۶$	مانا
Gro	$-۳/۸۱^{**}$	$-۳/۶۰$	مانا
gro2	$-۳/۸۲^{**}$	$-۳/۶۰$	مانا
Gini	$-۲/۳۰^*$	$-۱/۹۵$	مانا
Tved	$-۴/۴۷^{**}$	$-۴/۲۰$	مانا
Ilite	$-۴/۰۷^{**}$	$-۳/۶۰$	مانا
Pov	$-۲/۹۷^*$	$-۲/۹۳$	مانا

*سطح معنی‌داری ۵ درصد و ** سطح معنی‌داری ۱ درصد

منبع: یافته‌های تحقیق

۵-۲- برآورد الگو

^۱ Augmented Dickey Fuller

پس از تحلیل‌های مقدماتی، با استفاده از رابطه اول تاثیر باز بودن تجارت بر رشد اقتصادی، رابطه دوم تاثیر باز بودن تجارت و رشد اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد و رابطه سوم تاثیر باز بودن تجارت، رشد اقتصادی و نابرابری توزیع درآمد بر فقر آزمون شده است. نتایج آزمون‌ها در جداول ۷، ۸ و ۹ آمده است.

جدول (۷): معادله رشد اقتصادی (رابطه ۱)

متغیرهای مستقل	ضریب	آماره t	احتمال
Edu	۰/۰۹	۲/۵۹	۰/۰۱
Rcap	۱/۱۹	۵/۲۳	۰/۰۰۰
Open	۰/۰۹۵	۲/۵۴	۰/۰۱
Tved	-۱/۹۱	-۲/۳۶	۰/۰۲
D57	-۰/۰۴۹	-۱/۴۲	۰/۱۵
D67	-۰/۰۳۱	-۱/۶۲	۰/۱۰
$R^2=۰/۶۵$		$D-W=۲/۱۷$	

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۸): معادله نابرابری توزیع درآمد (رابطه ۲)

متغیرهای مستقل	ضریب	آماره t	احتمال
Open	-۰/۰۲۸	-۴/۳۲	۰/۰۰
Gro	۴/۳۰	۵/۷۷	۰/۰۰
gro2	-۲/۱۵	-۵/۷۸	۰/۰۰
Ilite	۰/۰۰۱	۹/۹۴	۰/۰۰
D57	۰/۰۲۲	۲/۴۳	۰/۰۱
D67	-۰/۰۰۷	-۱/۱۹	۰/۲۳
$R^2=۰/۹۷$		$D-W=۱/۹۸$	

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۹): معادله فقر (رابطه ۳)

متغیرهای مستقل	ضریب	آماره t	احتمال
Gro	-۰/۱۷	-۲/۳۳	۰/۰۲
Gini	۱/۶۲	۳/۹۱	۰/۰۰
Open	۰/۱۶	۷/۵۶	۰/۰۰
Edu	-۰/۱۲	۳/۶۲	۰/۰۰
Tved	-۲/۵۲	-۳/۰۸	۰/۰۰
D57	۰/۰۰۴	۰/۱۵	۰/۸۷
D67	۰/۰۰۱	۰/۰۸	۰/۹۳
$R^2=۰/۷۷$		$D-W=۱/۷۸$	

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج برآورد حاصل از معادلات همزمان نشان می‌دهد که در تخمین معادله رشد اقتصادی، باز بودن تجارت تاثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته است (رجوع شود به جدول ۷). ضریب متغیر باز بودن تجارت ۰/۰۹۵ است. بدین معنی که با افزایش باز بودن تجارت به میزان یک درصد رشد اقتصادی با فرض ثبات سایر شرایط به میزان ۰/۰۹۵ درصد افزایش می‌یابد. متغیر آموزش در معادله مورد بررسی معنی‌دار و ضریب آن ۰/۰۹ است. متغیر آموزش تاثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته است. همچنین طبق نتایج حاصل از برآورد، ضرایب متغیرهای بهره‌وری سرمایه و توسعه انسانی نیز مثبت و معنی‌دار بوده است. بدین معنی که افزایش بهره‌وری سرمایه و توسعه انسانی طی سال‌های مورد بررسی تاثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته‌اند. متغیرهای مجازی مرتبط با انقلاب و جنگ تحمیلی در معادله رشد اقتصادی دارای علامت‌های مورد انتظار بوده ولی با اهمیت نیستند.

براساس نتایج بدست آمده معادله دوم در سیستم معادلات همزمان، که در این معادله نابرابری توزیع درآمد تابعی از باز بودن تجارت، رشد اقتصادی، مجذور رشد اقتصادی و نرخ بی‌سوادی است، متغیر باز بودن تجارت با ضریب ۰/۰۲۸- دارای اهمیت بوده و با نابرابری توزیع درآمد رابطه عکس دارد (رجوع شود به جدول ۸). به عبارت دیگر، افزایش باز بودن تجارت به میزان یک درصد، نابرابری توزیع درآمد را با فرض ثبات سایر عوامل به میزان ۰/۰۲۸ درصد کاهش می‌دهد. ضریب متغیر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است و ضریب متغیر مجذور رشد اقتصادی منفی و با اهمیت است. به این معنا که رشد اقتصادی نابرابری توزیع درآمد را افزایش و مجذور رشد اقتصادی نابرابری توزیع درآمد را کاهش می‌دهد و بدین ترتیب فرضیه کوزنتس تایید می‌شود.

همچنین، براساس نتایج بدست آمده در خصوص معادله فقر در سیستم معادلات همزمان که درصد جمعیت زیر خط فقر تابعی از رشد اقتصادی، نابرابری توزیع درآمد، باز بودن تجارت، توسعه انسانی و نرخ بی‌سوادی است، متغیر رشد اقتصادی با ضریب ۰/۱۷ به صورت منفی معنی‌دار است (رجوع شود به جدول ۹). لذا می‌توان چنین تعبیر کرد که تاثیرات مستقیم رشد اقتصادی حامی فقرا بوده است. متغیر ضریب جینی مثبت و با اهمیت است، و با افزایش نابرابری درآمدی، درصد جمعیت زیر خط فقر افزایش می‌یابد.

۵-۳- تعیین اعتبار مدل

در مدل‌های رگرسیون تک معادله، آماره‌هایی همچون، آماره t و آماره F برای قضاوت درخصوص معنادار بودن مدل و ضرایب تخمین زده شده به کار گرفته می‌شوند. آماره‌های دیگری همچون $D-W$ برقراری فروض مدل را مورد بررسی قرار می‌دهند. در این ارتباط محقق باید در خصوص تصریح ساختار مدل قابل قبول تصمیم‌گیری کند. اما در مورد سیستم معادلات همزمان به دلیل وجود پدیده دینامیکی بین معادلات، آماره‌های فوق کافی نیستند. در این قسمت برای تعیین اعتبار مدل از شاخص‌های خطا استفاده می‌شود. این شاخص‌ها براساس مقادیر شبیه‌سازی شده و واقعی (تاریخی) متغیرهای درون‌زا قابل محاسبه هستند (عباسی نژاد و تشکینی، ۱۳۹۲).

جدول (۱۰): برخی معیارها برای انجام شبیه‌سازی تاریخی

معادله	RMSE	THEIL	MSE	BIAS
رشد اقتصادی	۰/۰۵	۰/۰۲	-۰/۰۰۰۲	۰/۰۲
ضریب جینی	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶
نرخ فقر	۰/۰۶	۰/۰۷	-۰/۰۰۹	۰/۰۲

منبع: یافته‌های تحقیق

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف از تحقیق حاضر بررسی رابطه بین باز بودن تجارت و فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۵۲، با استفاده از روش سیستم معادلات همزمان بوده است. یافته‌های مطالعه حاضر را می‌توان بصورت زیر خلاصه کرد:

یافته‌ها حاکی از تاثیر باز بودن تجارت بر فقر بوده است. بر این اساس، باز بودن تجارت از طریق رشد اقتصادی موجب کاهش فقر در طول سال‌های مورد مطالعه در ایران شده است.

براساس نتایج حاصله، رشد اقتصادی در مراحل اولیه توسعه موجب افزایش نابرابری شده، و مجذور رشد اقتصادی که بیانگر رشد اقتصادی در مراحل بعدی توسعه است موجب کاهش نابرابری شده است. بنابراین فرضیه کوزنتس در دوره مورد مطالعه در ایران تایید می‌شود. نتایج همچنین بیانگر این است که کاهش نرخ بی‌سوادی و به عبارت دیگر ارتقاء سطح سواد موجب کاهش نابرابری درآمدی و از طریق نابرابری موجب کاهش فقر طی دوره مورد بررسی در ایران شده است. یافته‌های تحقیق در ارتباط با رابطه مستقیم تولید حقیقی با شاخص نابرابری، تاکید بر افزایش نابرابری همزمان با رشد اقتصادی دارد. مطالعات زیادی اشاره به تغییرات بطنی توزیع درآمد در طی زمان

دارند. بطور کلی یافته‌ها بر مبنای معادله دوم تحقیق حاضر، فرضیه کوزنتس را تایید می‌کند.

از متغیرهای مهمی که می‌تواند سبب کاهش فقر شود، تولید ناخالص داخلی است. این شاخص از جهات مختلف حائز اهمیت است. افزایش آن سبب بالا رفتن درآمد سرانه شده و به لحاظ کاهش فقر نقش با اهمیتی را ایفا می‌کند. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که رشد اقتصادی رابطه غیر قابل انتظاری با فقر (اثر مستقیم یا درآمدی رشد اقتصادی) در مقایسه با اثرات آن بر نابرابری (اثر غیرمستقیم یا توزیعی رشد اقتصادی) در طول دوره مورد مطالعه داشته است. بدین معنی که اثر درآمدی رشد اقتصادی فقرزدا بوده و اثر توزیعی آن موجب افزایش فقر شده است. بر مبنای نظریه کوزنتس در مراحل بعدی توسعه، رشد اقتصادی نابرابری را کاهش خواهد داد و در نتیجه اثر توزیعی رشد اقتصادی فقرزدا خواهد بود. از آنجا که ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه در مراحل ابتدایی توسعه قرار دارد، افزایش فقر در نتیجه اثر توزیعی رشد اقتصادی دور از انتظار نیست. چنین نتیجه‌ای را می‌توان به گسترش سیاست‌های حمایتی دولت از گروه‌های کم درآمد از طریق مکانیزم‌های غیر اقتصادی در طول دوره مورد مطالعه نسبت داد.

از این رو پیشنهاد می‌گردد:

۱. حمایت همه‌جانبه دولت از سیاست‌های رشد اقتصادی از طریق باز بودن تجارت همراه با توجه به ارتقاء شاخص‌های توسعه انسانی به همراه سیاست‌های جامع حمایتی برای اقشار آسیب‌پذیر باشد.
۲. توجه سیاست‌گذاران به نحوه توزیع منافع حاصل از باز بودن تجارت در بین گروه‌های مختلف درآمدی مخصوصاً فقرا، به نحوی که منتفع شدن این گروه‌های درآمدی از این جریان میسر گردد.

فهرست منابع

۱. اخوی، احمد (۱۳۷۳). بررسی تحلیلی توزیع درآمد و توسعه اقتصادی. موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۲. آرمین، سیدعزیز، و زارع، روح الله (۱۳۹۰). جهانی شدن، فقر و نابرابری. مجله اقتصادی- ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ۱۱(۱۲)، ۱۷-۳۰.
۳. بهکیش، محمد مهدی (۱۳۸۵). اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، تهران، نشر نی.
۴. پیرحیاتی، لیلا، راغفر، حسین، و فطرس، محمد حسن (۱۳۸۸). بررسی تاثیر تجارت خارجی بر شاخص‌های فقر در ایران. مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۱(۴)، ۱-۱۲.
۵. حسن زاده، علی (۱۳۷۹). بررسی عوامل موثر بر فقر (مطالعه موردی ایران). پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۳(۴-۵)، ۱۳۵-۱۸۳.
۶. حسن زاده، علی، و فوزمسلمیان، مسعود (۱۳۸۶). ارزیابی آثار جهانی شدن بر فقر: مطالعه موردی کشورهای در حال توسعه. پژوهش‌نامه بازرگانی، ۱۰(۱)، ۲۲۳-۲۵۴.
۷. راغفر، حسین، باباپور، میترا و یزدان‌پناه، محدثه (۱۳۹۴). بررسی رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری در ایران طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه. مطالعات اقتصاد کاربردی ایران، ۴(۱۶)، ۷۹-۵۹.
۸. یزدان‌پناه، محدثه، و راغفر، حسین (۱۳۸۹). محاسبه شاخص‌های فقر کودکان در بین جمعیت روستایی و شهری ۱۳۸۸-۱۳۶۳. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۹(۳۵)، ۱۸۹-۲۱۹.
۹. زارع حقیقی، نغمه (۱۳۸۸). بررسی تاثیر باز بودن اقتصاد و رشد اقتصادی بر فقر: مورد ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
۱۰. صابونچی، محمد حسین، و رشیدزاده، علی (۱۳۹۳). اثر جهانی شدن و سرمایه‌گذاری خارجی بر روی توزیع درآمد در ایران. مجله اقتصادی، ۱۴(۱ و ۲)، ۱۱۷-۱۳۴.
۱۱. عباسی‌نژاد، حسین، و تشکینی، احمد، (۱۳۸۹). اقتصادسنجی کاربردی (پیشرفته)، تهران، دانشکده علوم اقتصادی و نشر نور علم.
۱۲. فوز مسلمیان، مسعود (۱۳۸۴). ارزیابی آثار جهانی شدن بر فقر: مطالعه موردی کشورهای در حال توسعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۳. گجراتی، دامودار (۱۳۸۳). مبانی اقتصادسنجی. جلد دوم، ترجمه حمید ابریشمی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

۱۴. گرجی، ابراهیم، و برهانی پور، محمد (۱۳۸۷). اثر جهانی شدن بر توزیع درآمد در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۰(۳۴)، ۹۹-۱۲۴.
۱۵. میرزاخانی، محمد (۱۳۷۴). بررسی روند فقر روستایی در جامعه روستایی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
۱۶. نظری، محسن، و فتوره‌چی، زهرا (۱۳۸۸). رابطه جهانی شدن با توزیع درآمد در ایران: آزمون فرضیه کوزنتس، استالپر-ساموئلسون و ماندل در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۳۶، ۲۳۷-۲۵۴.
۱۷. نوفرستی، محمد (۱۳۷۸). ریشه واحد و همگامی در اقتصادسنجی. تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.

1. Baldwin, R. E. (2003). *Openness and growth: What's the empirical relationship?*. NBER Working Paper, 9578.
2. Bannister, G. J., & Thugge, K. (2001). International trade and poverty alleviation. *IMF Working Paper*, WP/01/54, 38(4).
3. Deaton, A. (2005). Measuring poverty in a growing world (or measuring growth in a poor world). *The Review of Economics and Statistics*, MIT Press, 87(1), 1-19.
4. Dollar, D., & Kraay, A. (2004). Trade, growth, and poverty. *Economic Journal*, 114, 22-49.
5. Liang, Z. (2005). Agricultural trade and rural poverty in post-reform china. *CERDI*, 27.
6. Lim, G. C., & McNelis, P. D. (2014). Income Inequality, Trade and Financial Openness. *Melbourne Institute Working Paper*, 7/14.
7. Leyaro, V. (2009). Threshold and interaction effects in the trade-poverty relationship. *University Of Nottingham*.
8. Lundberg, L., & Squire, L. (1999). Inequality and growth; Lessons for policy. Mimeo, *World Bank*, Washington, D. C.
9. Mamoon, D. (2007). How international trade may affects poverty in a developing country setup? The inequality channel. *MPRA Paper (Munich Personal Repec Archive)*, 2716.
10. Menendez, M., Sztulman, A., & Castilho, M. (2009). Trade liberalization, inequality and poverty in brazilian states. *European Trade Study Group. Faculty of Business and Economic*, KU Leuven, Netherland.
11. Naranpanawa, A., Bandara, J., & Selvanathan, S. (2010). Trade and poverty nexus: A case study of Sri Lanka. *Journal of Policy Modeling*, 33, 328-346.
12. Santos-Paulino, A. U. (2012). Trade, income distribution and poverty in developing countries: A survey. *UNCTAD Discussion Papers*, 207.

13. Tapalova, P. (2005). Trade liberalization, poverty and inequality: Evidence from Indian districts. *NBER Working Paper, National Bureau of Economic Research*, 11614.
14. Trabelsi, M., & Liouane, N. (2013). Trade liberalization and fight against poverty. *International Journal of Economics and Financial Issues*. 3(2), 370-375.
15. UNDP. (2013). *Human development report 2013: Deepening democracy in a fragment world*. Oxford University Press.
16. Winters, L. A. (2000a). Trade, trade policy and poverty: What are the links?. *CEPR Discussion Papers*, 2382.
17. Winters, L. A., Mcculloch, N., & McKay, A. (2002). Trade liberalization and poverty: The empirical evidence. *Discussion Paper, University of Sussex*, 88.
18. Wood, A. (2002). Globalization and wage inequalities: A synthesis of three theories. *Review of World Economics*, 138(1), 54-82.
19. World Bank. (2001). *World development report 2000/2001, Attacking Poverty*. Oxford University Press.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی